

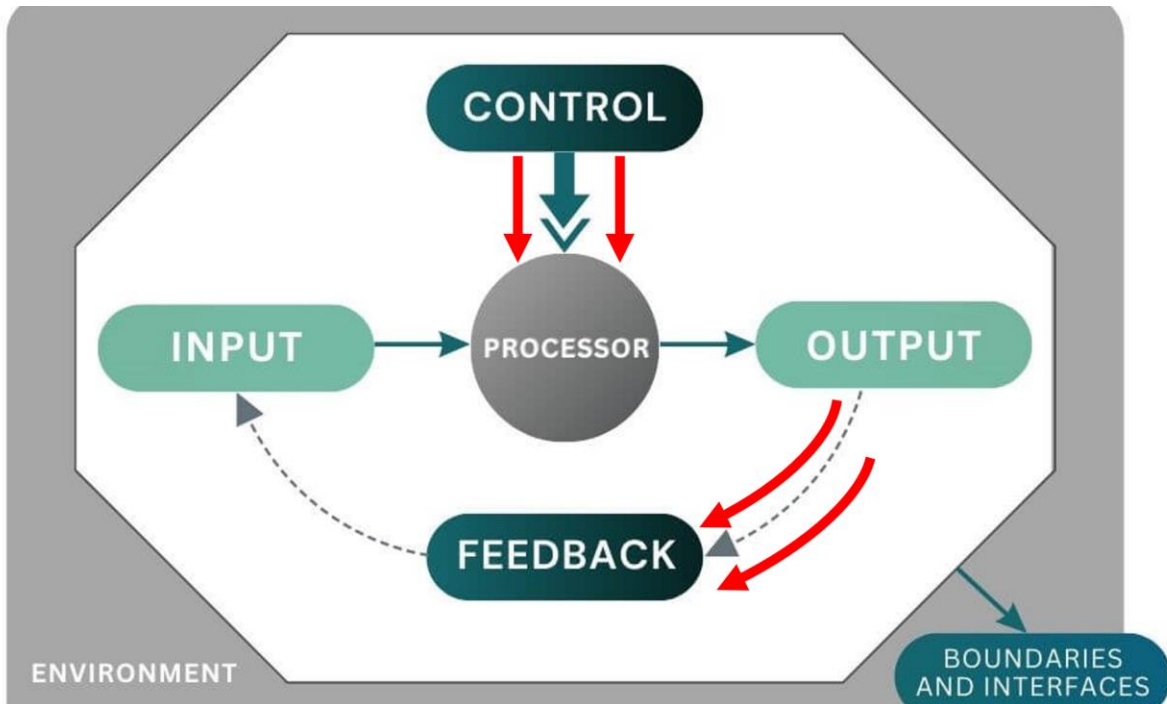


گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

(پیوست درس آیین زندگانی)

منبع یکم



دانشگاه صنعتی شریف

مدرس: عباس موزون

سال ۱۴۰۲



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

به نام خداوند حق و حقیقت

بدان که خدا را بر تو حقوقی است که این حقوق در هر جنبش و آرامش و هرجا که باشی و در هر اندامی که بچرخانی و در هر ابزاری که بگردانی تو را فرا گرفته اند.

بعضی از حقوق بر بعضی برترند. بزرگترین حقوقی که خدا بر تو واجب کرده حق او است تبارک و تعالی که آن پایه ی همه حقوق است و همه از آن بازگرفته شوند، آنگاه واجب نموده برای تو بر عهده تو از سر تا قدمت با اعضای مختلفت حقوقی را برای دیده ات بر تو حقی است و برای گوشت بر تو حقی است. زبانت به تو حق دارد و دستت به تو حق دارد و پایت به تو حق دارد و شکمت به تو حق دارد و فرجت به تو حق دارد، این هفت عضو تو است که با آنها کار کنی. سپس خدا عزوجل حقی هم برای هر کار تو بر تو قرار داده، نمازت بر تو حقی دارد و روزه ات بر تو حقی دارد و زکاتت بر تو حقی دارد و قربانی ات بر تو حقی دارد و کارهایت بر تو حقی دارند.

سپس دایره ی حق از تو به دیگران رسد که بر تو حق واجب دارند و واجب ترین همه این حقوق بر تو حق فرادستان تو است و سپس حقوق فرودستان و سپس حقوق خویشانت.

اینها حقوقی است و حقوقی هم از آنها منشعب گردد.

حق پیشوایان (فرادستان) تو که بر سه گونه است:

- واجب ترشان حق حاکم که تدبیر کار تو به دست اوست سپس حق آموزگار و سپس حق آقای که مالک تو است و هر تدبیرکننده و سرپرستی پیشوا است.



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

حقوق زیردستان هم بر سه گونه است:

حق زیردست حکم تو و سپس حق شاگرد و دانشجوی تو زیرا «آنکه نمی داند زیردست فرد دانا است»،

و حق زیردستی که صاحب اختیار [آتی از] اوست مانند زوجه و مملوک (مستخدم).

حقوق خویشان فراوان است و پیوسته، به اندازه پیوستِ رحم در خویشی:

- واجب تر همه بر تو حق مادر تو است.
- سپس حق پدر تو
- سپس حق فرزندان
- سپس حق برادرت
- سپس به ترتیب هر خویشی که نزدیکتر است،

سپس:

حق آزادکننده و ولی نعمت تو، سپس حق آزادشده ات که ولی نعمت اویی، سپس حق هر که به تو احسان کرده، سپس حق اذان گوی نمازت، سپس حق پیشنمازت، سپس حق همنشین تو، سپس حق همسایه ات، سپس حق شریکت سپس حق مالت، سپس حق بدهکارت، سپس حق بستانکارت، سپس حق رفیق معاشرت، سپس حق مدعی بر تو، سپس حق کسی که باو ادعا داری، سپس حق مشورت کن با تو، سپس حق آنکه با او مشورت کنی سپس حق اندرزجویت، سپس حق بزرگتر از تو، سپس حق خردسالتر از تو، سپس حق سائل از تو، سپس حق کسی که از او سؤال کنی، سپس حق کسی که بتو بدی کرده بگفته یا کرده یا بشادی کردن بر علیه تو بگفتار یا کردار بتعمد یا غیر تعمد، سپس حق همه همکیشان، سپس حق اهل ذمه، سپس حقوقی که در تغییر احوال و به اسباب پدید آیند، خوشا بر کسی که خدایش یاری دهد تا هر حقی بر او واجب کرده اداء کند و او را توفیق دهد و نگهدارد .



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

- ۱- **و اما حق خداوند بزرگترین** اینست که او را بپرستی و چیزی را شریکش ندانی، و چون از روی اخلاص این کار کردی خدا برعهده گرفته کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و آنچه از آن بخواهی برایت نگهدارد.
- ۲- **و اما حق خودت بر تو** اینست که کمال او را در طاعت خدا بگماری، بزبانت حقش را بپردازی و بگوشت حقش را بپردازی و بچشمت حقش را بپردازی و بدست خود حقش را بپردازی و بیپایت حقش را بپردازی و حق شکمت را بپردازی و حق فرجت را بپردازی، و از خدا در این کار یاری جوئی
- ۳- **و اما حق زبانت** اینست که آن را از دشنام ارجمندتر بدانی و بسخن خوب عادتش بدهی و مؤدبش داری و آن را در کام داری مگر در محل حاجت و برای سود دین و دنیا و آن را از پر گوئی و یاهه سرائی کم فائده که ایمنی از زیانش نیست و در آمدش کم است معاف داری، زبان گواه خرد و دلیل بر آن شمرده شود و آراستگی مرد بزیور عقل خوشزبانی او است، و هیچ جنبش و توانائی نیست جز باو.
- ۴- **و اما حق گوش** پاک داشتن او است از اینکه راه دلت باشد مگر برای خبر خوبی که در دلت خیر پدید کند یا خلق کریمت نصیب کند زیرا گوش دروازه دل است هر نوع معنی خوب یا بدی را بآن میرساند.
- ۵- **و اما حق چشمت** اینست که از هر چه روا نیست آن را بپوشانی و مبتذلش نسازی مگر برای محل عبرت آوری که از آن بینا شوی یا دانشی بدست آوری زیرا دیده وسیله عبرتست.
- ۶- **و اما حق دو پایت** اینست که با آنها بجائی که روا نیست نروی و آنها را براهی که باعث سبکی راهرو است نکشانی زیرا آنها تو را حمل میکنند و تو را براه دین میبرند و پیش میاندازند.
- ۷- **اما حق دست تو** اینست که آن را بناروا دراز نکنی تا بدست اندازی بدان گرفتار عقوبت آخرت خدا شوی و گرفتار سرزنش مردم در دنیا و آن را از کاری که بتو واجب کرده نبندی ولی آن را احترام کنی باینکه از محرمات بسیارش نبندی و بسیاری از آنچه هم که بر او واجب نیست بکار اندازی و چون دست تو در این دنیا از حرام باز ایستاد و خود را شریف داشت یا با عقل و شرافت بکار رفت در آخرت ثواب خوب دارد



گروه معارف - درس آیین زندگی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۸- **و اما حق شکمت** اینست که آن را ظرف کم و یا بیش از حرام نکنی و از حلال هم باندازهاش بدهی و از

حد تقویت بحد شکمخوارگی و بیمروئی نرسانی، و هر گاه گرفتار گرسنگی و تشنگی شد او را ضبط کنی زیرا سیری بی اندازه شکم را بیاشوبد و کسالت آورد که مایه باز ماندن و دور شدن از هر کار نیک و ارجمند است، و نوشابهایی که صاحبش را مست سازد مایه سبکسری و نادانی کردن و بیمروئی است.

۹- **و اما حق فرجت** نگهداری آنست از آنچه حلال نیست برایت و کمک گرفتن بر آن است بچشم پوشی از نامحرم زیرا که آن بهتر یاور است، و نیز با بسیار یاد مرگ کردن و خود را تهدید نمودن از خوف خدا، و از خدا است عصمت و تأیید و جنبش و توانی نیست جز به او.

سپس حقوق أفعال

۱۰- **و اما حق نماز** این است که بدانی نماز ورود بدرگاه خدا است و تو در نماز برابر خدا میایستی و

چون بدین عقیده مند باشی شایسته است که چون بنده ذلیل در نماز بایستی که راغب و راهب و خائف و امیدوار و گدا و زاری کن است و آنچه که برابریش ایستاده بوسیله آرامی و سربریزی و خشوع اعضاء و فروتنی تعظیم میکند و از دل بخوبی با او راز میگوید و میخواهد که گردن او را از زیر بار خطاها که تو را فرا گرفتند و گناهای که بپرتگاه نابودیت کشاند آزاد کند،

۱۱- **و اما حق روزه** آنست که بدانی روزه پردهایست که خدا بر زبان و گوش و چشم و فرج و شکمت

افکند تا تو را از آتش دوزخ حفظ کند و همچنین در حدیث آمده که «روزه سپریست از دوزخ» و اگر اعضایت در پس پرده آن آرامند امیدواری که محفوظ شوی و اگر بگذاری در پرده خود پریشانی کنند و اطراف آن را بکنار زنی و بدان جا که نباید سرکشی نگاه شهوت خیز و پیروی خارج از حد خودداری داشته باشی در امان نیستی که پرده دریده شود و از آن بدر شوی.



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۱۲- **و اما حق صدقه** این است که بدانی این صدقه پس انداز تو است نزد پروردگارت و امانت بی نیاز

از گواه تو است و چون بدین عقیده مند شوی بدان چه در نهانی بسپاری بیشتر اعتماد داری تا بآنچه آشکار باشد و تو را سزد که به خدا نهانی بسپاری هر چه را خواهی عیان کنی و این راز میان تو و او باشد در هر حال و در آنچه باو سپاری از گواهی گوشها و دیده ها علیه او پشتیبانی نخواهی به حساب اینکه به اینها بیشتر اعتماد داری نه بحساب اینکه در پرداخت سپرده بخدا اعتماد نداری، سپس بصدقه خود بر احدی منت منه زیرا که آن برای تو است و اگر بدان منت نهی در امان نیستی که بروز همان کسی گرفتار شوی که بدو منت نهادهی زیرا این خود دلیل است که تو آن را برای خود نخواستی و اگر برای خود میخواستی بر احدی بدان منت نمی نهادهی.

۱۳- **و اما حق حج** (در برخی نسخ رساله آمده است) این است که بدانی آن به رسولی رفتن نزد

پروردگار تو است. و گریختن از گناهان تو به سوی اوست. توبه ات به آن پذیرفته است و واجبی که خدا بر عهده تو نهاده با آن انجام محقق می شود.

۱۴- **و اما حق قربانی** این است که با قصد خالص برای پروردگارت باشد و تنها به منظور رحمت او و

قبول او باشد و برای جلب نظر مردم نباشد، و اگر چنین باشی خود فروش و ظاهر ساز نیستی و همانا قصد خدا را داری، و بدان که با آنچه میسور است باید خدا را خواست نه بدان چه دشوار است چنانچه خدا هم بخلق خود تکلیف آسان کرده و تکلیف دشوار نکرده و همچنین فروتنی برای تو اولی است از خودنمایی و خان منشی زیرا خان ها هستند که خودفروشی و پرخرجی میکنند و اما فروتنی و درویش مآبی نه کلفت دارد و نه خرج زیرا موافق سرشت آفرینشند و در طبیعت مخلوقند.



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

سپس حقوق پیشوایان.

۱۵- **اما حق پیشوای حکومت بر تو** اینست که بدانی تو برای او وسیله آزمایش شدی و او هم بتو گرفتار است بخاطر تسلطی که خدایش بتو داده و باید خیرخواه او باشی و با او در نیفتی زیرا که بر تو نفوذ دارد و سبب هالک خود و او گردی و خوار شوی و برای او فروتنی و نرمش کن تا آنجا که رضایت او را باندازهای که زیانش بتو نرسد بدست آری و زیان بدین تو نرسد و در این باره از خدا یاری جوئی و با او مبارزه و عناد نکنی زیرا اگر چنین کردی او را و خود را ناسپاسی کردی و خود را بیدی کشاندی و او را هم از جهت خود بهالکت رساندی و تو سزاواری که کمک او شمرده شوی بر ضرر خود و شریک او باشی در هر چه با تو کند،

۱۶- **و اما حق پدر علمی تو** و استادت تعظیم او و احترام مجلس او است که خوب باو گوش کنی و بدو رو کنی و باو یاری دهی برای خودت تا آنچه را نیاز داری بتو بیاموزد باینکه عقل خود را خاص او سازی و فهم و هوش را باو پردازی و دل خود را بدو دهی و خوب چشمش را باو اندازی بسبب ترک لذات و صرف نظر نمودن و کم کردن از شهوات. و بدان که این که در هر چه بتو آموزد باید رسول او باشی و آن را بنادانان برسانی و بر تو الزم است که این رسالت را بخوبی از طرف او ادا کنی و در ادایش خیانت نورزی و خوب بآن پردازی که عهدهدار هستی، و ال حول

۱۷- **و اما حق مالک تو** بمانند حق همان پیشوای حکومت تو است جز اینکه مالک اختیار بیشتری نسبت بتو دارد و طاعت آقای مالک در هر کم و بیش بر تو الزمست مگر اینکه بخواهد تو را از حق واجب خدا بیرون برد و میان تو و حق خدا و حقوق خلق حایل شود، و چون حق خدا را ادا کنی نوبت حق مالک می‌شود و باید بدان مشغول باشی، سپس حقوق رعیت.

۱۸- **و اما حقوق رعیت تو در حکومت** بر آنها اینست که بدانی همانا تو با نیروی فزون خود آنها را زیر رعیت گرفتی و همانا ناتوانی شان آنها را رعیت تو کرده پس چه سزاوار است کسی که ضعف او ترا (ظاهراً)



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

بی نیاز ساخته از او که او را رعیت و زیردست تو ساخته و حکم تو را بر او نافذ کرده تا به عزت و نیروی خود در برابر تو نتواند ایستاد و بر آنچه اش از تو بزرگ و ناگوار آید [جز بخدا] به ترحم و حمایت و صبر و انتظار یاری نجوید. و چه اندازه برای تو سزاوار است که چون بفهمی چه چیز خدا بتو داده از فزونی این عزت و نیروئی که بوسیله آن غلبه کردی بر دیگران که برای خدا شکر کنی و هر که شکر نعمت خدا کند باو نعمت بیشتری عطا کند

۱۹- **و اما حق زیردست علمی و شاگردت** اینست که بدانی خدا به وسیله علمی که به تو داده و خزانه

حکمتی که به تو سپرده تو را سرپرست شاگردانت ساخته و اگر در این سرپرستی که خدایت داده خوب کار کنی و بجای یک خزانه دار مهربان و خیرخواه موال باشی نسبت ببندههایش که صابر و خدا خواه است وقتی نیازمندی بیند از اموالی که بدست او است باو بدهد، سرپرست درستی باشی و خادم با ایمانی هستی و گر نه بخدا خائن و بخلقش ظالمی و متعرض سلب او (این نعمت را از تو) و عزتش شده ای.

و اما حق همسر تو است اینست که بدانی خدا او را آرامش جان و راحت باش توان و انیس و نگهدار تو ساخته و نیز هر کدام از شما زن و شوهر باید بنعمت وجود همسرش حمد کند و بداند که این نعمت خدا است که باو داده، و الزمست که با نعمت خدا خوشرفتاری کند و آن را گرمی دارد و با او بسازد، و گر چه حق تو بر زنت سختتر و طاعت تو بر او الزمتر است نسبت بهر خواه و نخواه تو تا آنجا که گناه نباشد ولی آن زن هم حق دلنوازی و انس و حفظ مقام آسایش در دامن او را دارد برای کامیابی و لذتجوئی که باید انجام شود و این خود حق بزرگی است.

و اما حقوق خویشاوندی:

۲۰- **و اما حق مادرت** اینست که بدانی او را در درون خود برداشته که احدی احدی را در آنجا راه

ندهد، و از میوه دلش بتو خورانیده که احدی از آن بدیگری نخوراند، و او است که تو را با گوشش و چشمش و دستش و پایش و مویش و سراپایش و همه اعضایش نگهداری کرده و بدین فداکاری خرم و



گروه معارف - درس آیین زندگی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

شادو مواظب بوده و هر ناگواری و دردی را و گرانی و غمی را تحمل کرده تا دست قدرت او را از تو دفع نموده و تو را از او بر آورده تو را بروی زمین آورده و باز هم خوش بوده است که تو سیر باشی و او گرسنه و تو جامه پوشی و او برهنه باشد، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند، تو را در سایه بدارد و خود زیر آفتاب باشد و با سختی کشیدن تو را بنعمت اندر سازد و با بیخوابی خود تو را بخواب کند، شکمش ظرف وجود تو بوده و دامنش آسایشگاه تو و پستانش مشک آب تو و جانفش فدای تو و بخاطر تو و بحساب تو گرم و سرد روزگار را چشیده باین اندازه قدرش بدانی و این را نتوانی جز بیاری توفیق خدا.

۲۱- **و أما حق پدرت** را باید بدانی که او بن تو است و تو شاخه او هستی و بدانی که اگر او نبود تو نبود، پس هر زمانی در خود چیزی دیدی که خوش آمد بدان که از پدرت داری و خدا را سپاسگزار و به همان اندازه شکر کن،

۲۲- **و أما حق فرزندت** بدان که او از تو است و در این دنیا بتو وابسته است خوب باشد یا بد و تو مسئولی از سرپرستی او با پرورش خوب و رهنمائی او پروردگارش و کمک او بطاعت وی در باره خودت و در باره خودش و بر عمل او ثواب بری و در صورت تقصیر کیفر شوی پس در باره او کاری کن که در دنیا حسن اثر داشته باشد و خود را بآن آراسته کنی و در نزد پروردگارش نسبت باو معذور باشی بسبب سرپرستی خوبی که از او کردی و نتیجه الهی که از او گرفتی،

۲۳- **و أما حق برادرت** بدان که او دست تو است که با آن کار میکنی و پشت تو است که باو پناه میبری و عزت تو است که باو اعتماد داری و نیروی تو است که با آن یورش بری، مبدا او را ساز و برگ نافرمانی خدا بدانی و نیز وسیله ظلم بحق خدا، و او را در باره خودش یار باش و در برابر دشمنش کمک کار، و میان او و شیاطینش حائل شو و حق اندرز او را بجای آور و باو رو کن برای رضای خدا اگر منقاد پروردگارش شد و بخوبی از او پذیرا گردید و گرنه خدا نزد تو مقدم باشد و از اویش گرامی تر بدار.



۲۴- **و أما حق آقائی که تو را آزاد کرده** این است که بدانی مالش را در راحت خرج کرده و تو را از

خواری بندگی و وحشت آن به عزت آزادی و آرامش آن رسانده و از اسیری ملکیت آزادت کرده و حلقه های بندگی را از تو گشوده و نسیم عزت را برایت پدید آورده و از زندان قهرت بدر آورده و جلو سختی تو را بسته و زبان عدالت را بر تو گشوده و همه دنیا را برایت مباح کرده و تو را مالک خود نموده و از اسارت رها کرده و برای عبادت پروردگار فراغت بخشیده و متحمل کسر مال خود شده، پس بدان که او پس از خویشاوندت از همه مردم بتو نزدیکتر است در زندگی و مرگت و سزاوارترین مردم است بیاری و کمک و همکاری تو در راه خدا، پس تا او را نیازیست خود را بر او مقدم مدار .

۲۵- **و أما حق آزاد کرده تو** اینست که بدانی خدا تو را حمایتگر و یاور و پناهگاهش ساخته و او را

وسیله و واسطه میان خودش و او نموده و سزا است که تو را از دوزخ نجات دهد و این ثواب در آخرت از او برای تو باشد و در دنیا هم میراث او را ببری در صورتی که خویشاوندی ندارد در عوض اینکه مالت را خرج او کردی و بحق او قیام کردی پس از صرف مالت در آزادی او و اگر مراعات او را نکنی بیم آن میرود که میراثش بر تو گوارا نباشد،

۲۶- **و أما حق کسی که بتو احسان کرده** اینست که او را شکر کنی و احسانش را یاد کنی و گفتار

خیر در باره او منتشر کنی و میان خود و خدا سبحانه برایش دعاء خالص بکنی زیرا چون این کار را کردی او را در نهان و عیان قدردانی کردی و سپس اگر ت میسر شود باو عوض بدهی و گر نه در صدد آن باشی و خود را بر آن عازم کنی..

۲۷- **و أما حق مؤذن** اینست که بدانی تو را بیاد پروردگارت می‌آورد و بهر هات دعوت میکند و بهترین

کمک کاران تو است بر انجام فریضه‌های که خدا بر تو واجب کرده و او را بر این خدمت بمانند کسی که بر تو احسان کرده قدردانی کنی، تو اگر در کار خود درون خانهاست بدو بدبینی نباید در کار او که برای خدا



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

است بدبین باشی و باید بدانی که او بی تردید یک نعمت خدا داده است و با نعمت خدا خوشرفتاری کن
و خدا را در هر حال بر آن حمد کن،

۲۸- **و اما حق پیشنهادت** اینست که بدانی میان تو و خدا نماینده است بدرگاه پروردگارت او از طرف تو سخنگو است و تو از طرف او سخن نگوئی او برایت دعا کند و تو برای او دعا نکنی و او برای تو خواسته و تو برای او نخواستی، و کار مهم «ایستادن برابر خدا» و «خواهش کردن از او» را برایت کفایت کرده و تو برای او کاری نکردی اگر در اینها تقصیری باشد به گردن او است نه تو، و اگر گناهی کند تو شریک او نیستی و او را بر تو برتری نیست او خود را سپر تو کرده و نمازش را سپر نماز تو کرده و باید برای این قدرش را بدانی، و ال حول

۲۹- **و اما حق همنشین** اینست که او را بخوبی بپذیری و با او خوشامد بگوئی و در گفتگو با او بانصاف رفتار کنی و یکباره دیده از او برنگیری و قصدت از گفتن با او فهماندن او باشد و اگر تو رفتی و همنشین او شدی مختاری که هر گاه نمی خواهی برخیزی و اگر او آمده بر تو نشسته اختیار با او است و از جا برنخیز جز به اجازه او.

۳۰- **و اما حق همسایه** حفظ او است هر گاه در خانه نباشد و احترام او است در حضور و یاری و کمک به او. در هر حال عیبی از او واری نکن و از بدی او کاوش منما که بفهمی و اگر بدی او را فهمیدی بی قصد و رنج باید برای آنچه فهمیدی چون قلعه محکمی باشی و چون پرده ضخیمی تا اگر نیزه ها دلی را برای یافتنش بشکافند بدان نرسند که بر آن پیچیده است، از آنجا که نداند به سخن او گوش مگیر، در سختی او را وامگذار و در نعمت بر او حسد مبر، از لغزشش درگذر و از گناهش صرف نظر کن و اگر بر تو نادانی کرد بردباری کن و به مسالمت با او رفتار کن و زبان دشنام را از او بگردان. و اگر ناصحی با او دغلی کرد جلوگیری کن و با او به خوبی معاشرت کن.



۳۱- **و أما حق رفیق و همصحبیت** این است که تا توانی به او احسان کنی و اگر نتوانی لااقل با انصاف

باشی و او را باندازه ای که احترامت میکند احترام کنی و چنانکه ننگه می‌دارد نگاهش بداری، و در هیچ کرمی بر تو پیشدستی نکند و اگر پیشدستی کرد باو عوض بدهی و تا آنجا که شایدش در دوستی او کوتاهی مکنی، بر خود الزم دانی که خیر خواه و نگهدار و پشت و پناه او باشی در طاعت پروردگار او و کمک او بر خودش در اینکه قصد نافرمانی پروردگارش را نکند سپس بر او رحمت باشی و عذاب نباشی،

۳۲- **و أما حق شریک** اگر غایب باشد کار او را بکنی و اگر حاضر است با او برابر کار کنی و بنظر و رأی خود بدون مشورت او تصمیم نگیری و مالش را نگهداری و در آن کم یا بیش خیانت نکنی زیرا بما رسیده است که دست خدا بر سر هر دو شریک است تا بهم خیانت نکرده اند

۳۳- **و أما حق مال و دارائی** اینست که آن را نگیری مگر از راه حلال، و صرف نکنی مگر در جای حلال، و بیجا خرج نکنی و از راه درست آن را بجای دیگر نبری، و چون خدا داده آن را جز براه خدا و آنچه وسیله راه خدا است بکار نبری، و بکسی که بسا قدردانی از تو نکند با نیاز خودت ندهی، و سزا است که درباره آن ترک طاعت خدا نکنی تا بجای تو میراث بماند برای دیگران، و کمک به وارث کنی که از تو آن را بهتر منظور دارد و در طاعت خدا بمصرف رساند، و غنیمت را او ببرد، بار گناه و افسوس و پشیمانی و عقوبت بدوش تو بماند.

۳۴- **و اما حق بستانکار تو** این است که اگر داری به او بپردازی و کارش را راه بیاندازی و غنی و بی نیازش کنی و او را ندوانی و معطل نکنی زیرا رسول خدا (ص) فرموده نپرداختن توانگر بدهکاری خود را ستم است، و اگر نداری او را بخوش زبانی خوشنود کنی و از او به آرامی مهلت بخواهی و او را به خوشی از خود برگردانی و با اینکه مالش را بردی با او بدرفتاری نکنی زیرا این پستی است.



۳۵- **و اما حق معاشر با تو** اینست که او را نغریبی و با او دغلی نکنی و به او دروغ نگوئی و غافلش

نسازی و گولش نزنی و برای او کارشکنی نکنی مانند دشمنی که برای طرف خود ملاحظه ای ندارد، و اگر بتو اعتماد کرد هرچه توانی برای او بکوشی و بدانی مغبون کردن کسی که بتو اعتماد کرده مانند رباست

۳۶- **و اما حق طرفی که به تو ادعائی دارد** اینست که اگر درست میگوید دلیل او را نقض نکنی و

دعوت او را ابطال نکنی، و با خودت طرف شوی و برای او حکم کنی و بی شهادت شهود گواه او باشی زیرا که این حق خدا است بر تو، و اگر ادعای او باطل است با او نرمش کنی و او را بترسانی و بدینش قسم بدهی: و با تذکر بخدا از تندی او بکاهی و پر و ناروا نگوئی که تجاوز دشمن را از تو برنگرداند بلکه بگناه او گرفتار شوی و شمشیر دشمنی او باین سبب بر تو تیز گردد زیرا سخن بد شرانگیز است و سخن خوب شر برانداز است،

۳۷- **و اما حق طرفی که باو دعوی داری** اینست که اگر آنچه ادعا میکنی درست است در گفتگوی

برای خروج از دعوی آرام باشی زیرا خود ادعا در گوش طرف کوبندگی دارد و دلیل خود را با نرمش به او بفهمانی با مهلت و بیان روشن و لطف کامل، و به سبب ستیزگی او با قیل و قال دست از دلیل خود برنداری تا دلیلت از دستت برود و جبران آن را نتوانی کرد.

۳۸- **و اما حق کسی که با تو مشورت کند** اینست که اگر نظر روشنی در کار او داری در نصیحت او

بکوشی، و هر چه دانی باو بفهمانی و بگوئی که اگر بجای او بودی آن را بکار می بستی، و این برای آنست که از طرف تو مورد مهر و نرمش باشد زیرا نرمش وحشت را ببرد و سختگیری انس را به وحشت کشاند، و اگر نتوانی به او نظری بدهی ولی کسی را بشناسی که اعتماد به رأی او داری و برای مشورت خودت او را می پسندی وی را بدان رهنمائی و ارشاد نمائی، و درباره او کوتاهی نکنی و از نصیحت او کم نگذاری.



۳۹- **و اما حق کسی که به تو مشورتی دهد** اینست که او را در رأی ناموافقی که بتو دهد متهم نسازی

وقتی بدان تو را اشاره کند زیرا در مرحله نظریات مردم جور بجورند و اختلاف دارند و اگر در رأی او بدبینی داری مختاری ولی نبایدش متهم سازی در صورتی که أهل مشورت است و برای اینکه بتو نظر داده و بخوبی وارد شور شده باید از او تشکر کنی، و اگر بدخواه تو رأی داد خدا را حمد کن و آن را از برادرت قدردانی کن، و در مقام باش که اگر روزی با تو مشورت کرد باو پاداش بدهی.

۴۰- **و اما حق کسی که از تو نصیحتی جوید** اینست که باندازه استحقاقش و تحملش باو اندرز دهی

و از راهی وارد سخن شوی که بگوشش خوش آید، و باندازه عقلش با او سخنگویی زیرا هر عقلی را یک نحو سخن باید که آن را بفهمد و درک کند و باید روشتمهربانی باشد.

۴۱- **و اما حق ناصح** اینست که نسبت باو تواضع کنی. باو دل دهی و گوش فرا داری تا اندرزش را

بفهمی، سپس در آن تأمل کنی و اگر درست گفته خدا را بر آن حمد کنی و از او بپذیری، و نصیحتش را قدر بدانی، و اگر درست نگفته باو مهربان باشی و او را متهم نسازی و بدانی که در خیرخواهی تو کوتاهی نکرده جز اینکه خطا کرده مگر اینکه در نظر تو مستحق تهمت باشد که بهیچ سخن او اعتناء مکن در هر حال.

۴۲- **اما حق فرد بزرگتر** این است که سن او را احترام کنی و تجلیل نمائی اگر از أهل فضیلت باشد او

را مقدم دانی و با او مجادله نکنی. در راه از او جلوتر نروی و از او پیش نیفتی. باو نادانی نکنی و اگر بتو نادانی کرد تحمل کنی و او را گرامی داری برای حق مسلمانی و سن او، زیرا حق سن به اندازه مسلمانی است.



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۴۳- **و اما حق خردسال** مهرورزی به او است، و پرورش و آموزش و گذشت از او، و پرده پوشی و

نرمش با او، و کمک او و پرده پوشی خطاهای کودکی او زیرا آن سبب توبه است، و مدارا کردن با او و تحریک نکردن او زیرا که این بر شد او نزدیکتر است.

۴۴- **و اما حق سائل** این است که اگر صدقه آماده داری به او بدهی، و نیاز او را بر طرف کنی و برای

رفع فقر او دعاء کنی، و بخواست او کمک کنی، و اگر در صدق او شک کنی و او را متهم بدانی ولی بدان یقین نداری بسا که شیطان برایت دامی نهاده و میخواهد تو را از بهره ات باز دارد، میان تو و تقرب بهروردگارت حایل شود. او را بحال خود واگذار و بخوشی جواب کن و اگر هم با این حال باو چیزی بدهی کار بجائی است.

۴۵- **و اما حق کسی که از او چیزی خواهند** اینست که اگر چیزی داد با تشکر ازو پذیرفته شود و

قدردانی گردد، و اگر نداد او را بخوشی معذور دار و باو خوشبین باش و بدان که اگر دریغ کرد مال خود را دریغ کرده، و نسبت بمال خود مالمتی ندارد و اگر چه ظالم باشد زیرا انسان ظلوم کفار است.

۴۶- **و اما حق کسی که وسیله شادی تو شده** اینست که اگر مقصود او شادی تو بوده خدا را حمد

کنی و او را شکر کنی باندازهای که سزد، و او را پاداش بدهی و در مقام عوض باو باشی، و اگر مقصود او نبوده خدا را حمد کنی و شکر کنی و بدانی که از اوست و او مایه شادی تو شده و او را بعنوان اینکه یکی از اسباب نعمت خدا برای تو شده دوست بداری، و خیر او را بخواهی زیرا اسباب نعمتها برکت است هر جا باشند و اگر چه او قصد نداشته باشد.

۴۷- **و اما حق کسی که از قضا بتو بدی کرده** اینست که اگر عمدی کرده بهتر است از او درگذری تا

کدورت ریشه کن شود، و با این گونه مردم بادب رفتار کرده باشی.

زیرا خدا می فرماید : و هر آینه کسی که باو ستم شده و انتقام جوید مسئولیتی ندارد- تا آنجا که- این

از کارهای پا بر جا و درست است. (۴۱ الشوری)



گروه معارف - درس آیین زندگانی - رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

و خدا عزوجل فرموده اگر کیفر دادید به همان اندازه باشد که زخم خوردید، و اگر صبر کنید و بگذرید برای صابران بهتر است، این در عمد است، و اگر بدی او تعدد نباشد با تعدد در انتقام به او ستم مکن تا او را عمدا به بدی عوض داده باشی بر کار خطا و با او تا توانی نرمی و ملاطفت کنی. ۱۲۶ النحل.

۴۸- **و اما حق اهل ملت** تو به طور عموم حسن نیت و مهربانی به همه و نرمش با کردارشان و تألیف قلب و مصالح آنها است و تشکر از خوش کردارشان به خودش و تو، زیرا به خودش هم که خوبی کند به تو کرده چون از آزار تو خودداری نموده، و زحمت بتو نداده و خودش را حفظ کرده پس برای همه دعا کن و همه را یاری کن و از هر کدام نسبت بخود مقامی منظور دار بزرگتر را پدر خود بدان و خرد سال را فرزند و میانه حال را چون برادر و هر کدام نزد تو آمدند با لطف و رحمت از آنها دلجوئی کن و با برادرت بحقوق برادری رفتار کن.

۴۹- **و اما حق اهل ذمه (غیرمسلمانان اهل کتاب)** حکمش اینست که از آنها بپذیری آنچه را خدا پذیرفته، و **آن ذمه و عهده که خدا برای آنها مقرر داشته بآن وفادار باشی** و آنها را بدان حواله کنی در آنچه خواهند و بدان مجبورند **و در معامله با آنها به حکم خدا عمل کنی** و به مراعات اینکه در پناه اسلامند و برای وفاء بعهد خدا و رسولش بآنها ستم نکنی زیرا به ما رسیده که فرمود: هر که بمعاهدی ستم کند من طرف او و خصم او باشم، از خدا بپرهیز.

این پنجاه حق است در گردنت که در هیچ حال از آنها جدا نتوانی بود و الزم است بر تو رعایت آنها و کوشش برای ادای آنها و استعانت از خدا جل ثناؤه بر این کار.

و الحمد لله رب العالمین.